

سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات آن در نظام امنیتی اسلام از منظر قرآن و حدیث

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۱۵
علی اصغر نصیری*
و بهنام رشیدی زاده** و ناصر انطیقه چی***

چکیده

یکی از عناصر و مؤلفه‌های یک نظریه امنیتی، سطوح امنیت در ابعاد مختلف آن می‌باشد. تاکنون پژوهشی که سطوح امنیت را به ویژه در بُعد سیاسی آن از منظر مبانی اسلامی بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. لذا این پژوهش در صدد است تا سطوح امنیت سیاسی و تهدیدهای آن را در نظام امنیتی اسلام از منظر قرآن و حدیث تبیین نماید. برای دست‌یابی به این هدف، با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی، گزاره‌های قرآنی و روایی ناظر بر سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات آن، استخراج گردید. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که در قرآن کریم و روایات اسلامی، گزاره‌هایی یافت می‌شود که از یک سو، بر پنج سطح فردی (خرد)، جامعه‌ای، ملی (متوسط)، منطقه‌ای و بین‌المللی (کلان) امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام دلالت دارد و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که هر یک از سطوح مذکور ممکن است از سوی سطوح دیگر، مورد تهدید وجودی واقع شوند.

واژگان کلیدی

قرآن، حدیث، سطوح، امنیت سیاسی، تهدیدات

* دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود: a.nasiri@shahroodut.ac.ir
** عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق 7 : behnam.rashidizade@gmail.com
*** عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود: naserantighechi@gmail.com

مقدمه

سطوح امنیت یکی از عناصر و مؤلفه‌های هفت‌گانه یک نظریه امنیتی می‌باشد، بررسی نظریه‌های امنیتی نشان می‌دهد که یک نظریه امنیتی مطلوب در مجموع باید حداقل از هفت عنصر و مؤلفه تشکیل شده باشد. «مفهوم»، «ابعاد»، «مرجع»، «سطوح امنیت»، «خودی و غیر خودی»، «روش‌های تحصیل امنیت»، «روی‌کردهای استراتژیک امنیتی»، از جمله مهم‌ترین عناصر یک نظریه امنیتی می‌باشند. از میان مؤلفه‌های مذکور، این پژوهش در صدد است تا عنصر سطوح امنیت سیاسی را در نظام امنیتی اسلام بررسی نماید. با وجود اهمیت بررسی و تبیین سطوح امنیت در یک نظام و نظریه امنیتی به‌ویژه از منظر اسلام، اما تاکنون پژوهش‌های زیادی در این موضوع صورت نگرفته است. تحقیقات صورت گرفته: ۱. از جامعیت و تبع کافی از منظر آیات و روایات برخوردار نمی‌باشند. ۲. تنها به برخی از سطوح امنیت اشاره نموده‌اند. ۳. به بُعد سیاسی سطوح و نیز تهدیدهای آن نپرداخته‌اند، بلکه به سطوح امنیت به صورت کلی و مطلق اشاره کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به آثاری هم‌چون «بُعد سیاسی امنیت انسانی از دیدگاه فقه امامیه و نظام بین‌الملل حقوق بشر» (حسینی‌خواه، ۱۳۹۸)، «امنیت ملی از دولت اسلامی از منظر فقه شیعه» (لکزایی؛ نباتیان و کریمیان، ۱۳۹۵)، «امنیت ملی از منظر امام خمینی» (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۲)، «امنیت در اسلام» (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰)، «امنیت در نظام سیاسی اسلام؛ اصول و مؤلفه‌ها» (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸) اشاره کرد. بنابراین، می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی که سطوح امنیت سیاسی و تهدیدهای آن را از منظر منابع اصلی اسلامی بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. لذا این پژوهش در صدد است با استفاده از روش تحلیلی - استنباطی و کاربست دیدگاه‌های مکاتب امنیتی مرسوم در سطوح امنیت، به صورت برچارچوب و بهره‌گیری از آیات و روایات اسلامی، سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات آن را در نظام امنیتی اسلام بررسی نماید. بر این اساس، در ابتدا در بخش اول این مقاله با عنوان چارچوب مفهومی و نظری بحث، مفاهیم کلیدی هم‌چون امنیت سیاسی و نیز ادبیات نظری بحث در قالب

دیدگاه‌های مکاتب امنیتی مرسوم در باره سطوح امنیت بیان می‌گردد. سپس در بخش دوم از این مقاله نیز با عنوان روش انجام تحقیق، روش مطالعه پژوهشی و روش استنباطی بیان می‌شود. در پایان نیز در بخش سوم مقاله مبتنی بر روش و چارچوب مذکور، سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات آن از منظر آیات و روایات اسلامی تبیین می‌گردد.

چارچوب مفهومی و نظری بحث

در این قسمت، مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مقاله هم‌چون امنیت، امنیت سیاسی و نیز سطوح امنیت در مکاتب امنیتی مرسوم، به‌مثابه چارچوب مفهومی و نظری پژوهش تبیین می‌شود.

تعریف امنیت سیاسی

واژه امنیت در زبان فارسی را می‌توان مترادف با واژه الأمن (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸ و جوهری، ۱۴۲۹ق، ص ۵۷-۵۶) در زبان عربی و واژه Security (حییم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۲۹) در زبان انگلیسی دانست. این واژه در زبان فارسی از ریشه «امن» گرفته شده است و به معنای در امان بودن، ایمن شدن، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۸؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۲ و انوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۷۰) است. تعاریف مختلفی از امنیت ارائه شده است که در مجموع می‌توان آن‌ها را در سه دسته تعاریف سلبی، ایجابی و سازه‌ای تقسیم کرد. «فقدان تهدید و ترس نسبت به ارزش‌ها»، فصل مشترک تعاریف سلبی امنیت را تشکیل می‌دهد (Wolfers, 1952; 485). «وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان» نیز ویژگی مشترک تعاریف ایجابی از امنیت است (ویلیامز، ۱۳۹۰، ص ۴۱-۴۰ و افتخاری، ۱۳۹۰، ص ۹۱). اما در تعریف سازه‌ای، هر یک از مکاتب امنیتی با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود می‌توانند تعریفی ارائه کنند. بر این اساس، سازه امنیت عبارت است از: «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام‌دادن یا انجام‌ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)» (لکزایی، ۱۳۹۳، ص ۱۳). همانند تعریف امنیت، تعاریف مختلفی نیز از امنیت سیاسی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تعاریف شهروندمحور، دولت/ رژیم‌محور و

سازه‌ای تقسیم کرد. «حفظ حقوق شهروندی در عرصه سیاسی»، ویژگی مشترک تعاریف شهروندمحور می‌باشد (ویلیامز، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱ و جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). «امنیت دولت (ایدئولوژی، نهادها، پایگاه مادی) / رژیم سیاسی (نهادها)» ویژگی بارز دسته دوم از تعاریف امنیت سیاسی است (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۸۶ و عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷-۱۷۸). تعریف مختار از امنیت سیاسی در این پژوهش با توجه به نگاه توأمان دنیوی و اخروی دین اسلام به امنیت و نیز محوریت دولت و نقش مردم در اعمال حاکمیت در نظام امنیتی اسلام، بر اساس تلقی سازه‌ای ارائه می‌شود. لذا امنیت سیاسی عبارت است از «دستیابی به وضعیتی که «الف» (دولت اسلامی مردم‌پایه) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» (داخلی، استبداد، بغی، ارتداد، و.../خارجی، سلطه، اشغال، و...) مصون و محفوظ باشد تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد (بقای حاکمیت زمینه‌ساز پیشرفت متعالی (دنیا و آخرت))».

سطوح امنیت در مکاتب امنیتی مرسوم به مثابه چارچوب نظری بحث

هر یک از مکاتب امنیتی با توجه به مبانی، ارزش‌ها، دیدگاه‌های خود در موضوعات و مسائل امنیتی به‌ویژه دیدگاهی که نسبت به مرجع امنیت دارند، با محدود کردن یا بسط دادن تهدیدات به موضوعات مختلف، سطح و یا سطوحی را برای امنیت در نظر می‌گیرند. از منظر مکتب امنیتی رئالیستی مسأله امنیت در سطح سیاست داخلی معنا ندارد و تنها در سطح بین‌المللی، امنیت معنا می‌یابد. لذا تحلیل و سیاست‌گذاری امنیت منحصر در سطح بین‌المللی است و امنیت ملی نیز چیزی جز امنیت بین‌الملل نیست (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۷۱). بررسی مکتب امنیتی لیبرالیستی نشان می‌دهد که در مطالعات سنتی این مکتب چهار رویکرد عمده مشاهده می‌شود که امنیت را در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای تحلیل می‌کنند. اما در نظریه‌های متأخر این مکتب برای سطح فردی امنیت، نقشی محوری و بنیادین قائلند؛ تا این حد که امنیت در دیگر سطوح می‌بایست به مثابه یک ابزار در راستای تحقق و استمرار امنیت فردی - انسانی عمل کنند (همان، ص ۲۴۲ و ۲۵۳-۲۵۱). در مکتب انتقادی برخی نحله‌های آن با معرفی فرد

به عنوان مرجع امنیت، سطح فردی امنیت را محور دیگر سطوح امنیت قرار می‌دهند. برخی دیگر از نحله‌های آن مکتب نیز با تأکید بر محوریت جامعه به عنوان مرجع، امنیت را در سطح جامعه تحلیل می‌کنند و این سطح را به عنوان سطح اصلی در میان دیگر سطوح مطرح می‌کنند. به‌طور کلی در مکتب انتقادی، این اعتقاد وجود دارد که میان سطوح امنیت، روابط متقابل و تأثیرگذار وجود دارد (همان، ص ۲۶۴-۲۲۹). در مکتب امنیتی کپنهاگ، امنیت در سطوح فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح می‌شود. اما مرکز ثقل امنیت به‌ویژه با توجه به مرجعیت دولت در این مکتب، سطح ملی امنیت می‌باشد. از دیدگاه این مکتب، میان سطوح مختلف امنیت، نوعی ارتباط و وابستگی متقابل وجود دارد و در این بین، امنیت ملی، مرکز ثقل و محور امنیت در سطوح دیگر در یک کشور خاص می‌باشد (همان، ص ۱۶۱-۱۳۱).

نسبت میان سطوح	مرکز ثقل (محوریت)	سطوح تحلیل امنیت	مکاتب امنیتی
عدم ارتباط و استقلال عرصه داخلی و خارجی	امنیت بین‌المللی	بین‌المللی	مکتب امنیتی رنالیستی
روابط متقابل و ابزارگونه دیگر سطوح نسبت به سطح فردی	امنیت فردی	فردی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	مکتب امنیتی لیبرالیستی
روابط متقابل و تأثیرگذار	امنیت جامعه‌ای	فردی، جامعه‌ای، ملی، بین‌المللی	مکتب امنیتی انتقادی
ارتباط و وابستگی متقابل / امنیت فردی تابع ساختارهای سیاسی عالی‌تر دولتی و بین‌المللی	امنیت ملی	فردی، جامعه‌ای، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	مکتب امنیتی کپنهاگ

۳. روش انجام تحقیق

روش منتخب در این پژوهش، به صورت کلان روش کیفی و به صورت خرد، تلفیقی از روش استنباطی - استنادی با بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی و روش استنباط از روایات است.

روش تفسیر موضوعی

در تفسیر موضوعی، محقق با جمع‌آوری آیات مختلف در مورد یک موضوع و تحلیل بررسی آن‌ها نظر قرآن کریم در مورد آن موضوع را استخراج می‌کند. به بیان دیگر، در این روش، محقق درصدد نظریه‌پردازی و ارائه نظر قرآن کریم در مورد پرسش‌هایی است که در موضوعات مختلف فرهنگی، اعتقادی، تاریخی، حقوقی، فقهی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... مطرح می‌باشد (حکیم، ۱۴۲۰ق، ص ۹۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۱-۱۹). هدف غایی در تفسیر موضوعی، ارائه نظریه قرآنی در مورد موضوعی از موضوعات گوناگون با ملاحظه فهم و مدلول آیات، یا کشف و بیان منسجم نظر قرآن کریم درباره موضوعی قرآنی می‌باشد (غلامی و علوی‌مهر، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۸۹). این پژوهش از شیوه استنتاجی (و برون‌قرآنی) در روش تفسیر موضوعی بهره خواهد برد. در این شیوه، محقق با استفاده از قرآن کریم، به مسائل، موضوعات و نیازهای متن زندگی بشر پاسخ می‌دهد. این شیوه از تفسیر موضوعی، روش استنتاجی نامیده می‌شود (حکیم، ۱۴۲۰ق، ص ۱۹؛ معرفت، ۱۳۷۹، ص ۵۲۸-۵۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۹ و غلامی و علوی‌مهر، ۱۳۹۰، ش ۸، ص ۹۵). به بیان دیگر، در تفسیر موضوعی برون‌قرآنی، موضوعات و مسائل از متن اجتماع استخراج می‌شود و به صورت پرسش به قرآن کریم عرضه می‌گردد و آیات مرتبط جمع‌آوری می‌شود و پس از بررسی و تحلیل آیات مذکور، پاسخ قرآن کریم به آن پرسش دست می‌آید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ش ۶، ص ۴۷-۲۹).

روش استنباط از روایات

رهیافت‌های مختلفی برای بررسی اعتبار روایات در میان حدیث‌پژوهان مورد توجه می‌باشد. وثوقی (صدوری / سندی)، ترائی، کارکردی، شواهد حدیثی از جمله راهیافت‌های مذکور هستند (ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۲۰۷-۱۴۵؛ محمودی قهساره، ۱۳۹۶، ص ۹۱-۹۰؛ علی‌یاری، ۱۳۹۶، ص ۹۱-۹۰ و مسعودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۳۵). علاوه بر رهیافت‌های مذکور، برخی با الهام از روش شهید صدر در

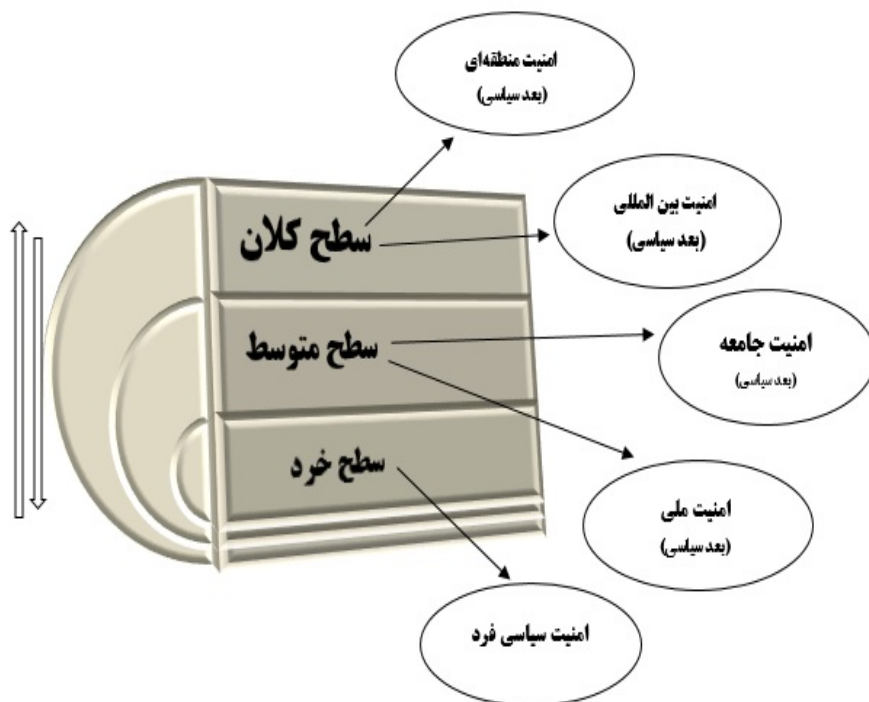
کتاب اقتصادنا، معتقدند در مواردی که پژوهش‌گر به دنبال حکم‌دادن در خصوص عمل افراد نیست، بلکه به دنبال مطالعه مفهوم‌شناسانه روایات است، دیگر ضرورتی ندارد، به دنبال بررسی اعتبار و حجیت روایات باشد (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۷۹-۷۸؛ همو، ۱۳۷۹ (ب)، ش ۱۲ و ۱۱، ص ۱۲۸-۱۱۳؛ تسخیری، ۱۳۸۲، ش ۱۰، ص ۲۲-۹ و علی‌یاری، ۱۳۹۶، ص ۹۲). با این وجود، در این پژوهش تلاش شده است تا از همه رهیافت‌های مذکور تا حد امکان استفاده شود.

سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات علیه آن از منظر آیات و روایات

در قسمت چارچوب نظری بحث، بیان گردید که در مکاتب امنیتی مرسوم، سطوح امنیت به سطح فردی، جامعه‌ای (گروهی)، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شود. بررسی آیات و روایات اسلامی از منظر امنیتی نشان می‌دهد که در نظام امنیتی اسلام نیز مسأله امنیت، ناامنی و تهدید در هر یک از آن سطوح مذکور مورد توجه بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که از منظر آیات و روایات اسلامی در مجموع امنیت دارای پنج سطح فردی، جامعه‌ای (گروهی)، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. بر این اساس، در این پژوهش، سطوح امنیت سیاسی در آیات و روایات نیز با توجه به آن پنج سطح تحلیل می‌گردد که در یک دسته‌بندی می‌توان سطوح مذکور را به سه سطح خرد، متوسط و کلان تقسیم کرد. در سطح خرد، امنیت سیاسی فرد انسانی به عنوان عضوی از شهروندان جامعه اسلامی تحلیل می‌گردد. در سطح متوسط، امنیت آزادی و حقوق سیاسی جامعه (گروهی) و امنیت دولت (حکومت مردم‌سالار، ایدئولوژی، سرزمین) مورد توجه و تحلیل می‌باشد و در سطح کلان نیز آزادی، استقلال و امنیت حقوق سیاسی دولت‌ها (به طور عمده) در روابط منطقه‌ای و آزادی، استقلال و امنیت حقوق سیاسی دولت‌ها (به طور عمده) در روابط بین‌المللی محور بحث و تحلیل می‌باشد.

آنچه که به اجمال می‌توان از فضای نزول سوره‌های قرآن کریم استنباط کرد، این است که در سوره‌هایی که به دوران تشکیل دولت اسلامی در مدینه که با تهدیدات درونی و بیرونی مواجه بوده است، باز می‌گردد، به تمامی سطوح پنج‌گانه امنیت اشاره

شده است. اما آنچه که به اجمال از فضای نزول در سوره‌های مکی استنباط می‌شود، این است که در این دسته از آیات، عمدتاً به تهدیدات در سطح فردی و گروهی (تهدید جامعه مشرک مکه علیه گروه اقلیت مسلمانان) اشاره شده است.



امنیت سیاسی در سطح خرد

منظور از امنیت سیاسی در سطح خرد، امنیت سیاسی هر یک از افراد به عنوان شهروندان جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، منظور از امنیت سیاسی در این سطح، عدم تهدید حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد می‌باشد. این تهدید ممکن است از سوی هر یک از سطوح، متوجه فرد گردد. در نظام امنیتی اسلام، این سطح از امنیت سیاسی مورد توجه می‌باشد و در آیات و روایات بسیاری به آن اشاره شده است. حقوق و آزادی سیاسی فرد از دیدگاه اسلام امری پذیرفته شده است و از حقوق مسلم همه انسان‌ها شمرده می‌شود. چرا که انسان از دیدگاه اسلام، موجودی مختار و آزاد آفریده شده

است و هیچ کس حق سلطه بر او و به بردگی گرفتن وی را ندارد:

«لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ «إِيَّهَا النَّاسُ أَنْ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَ لِأَمَّةٍ وَ أَنْ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارًا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۶۹).

این حکم در رابطه با حقوق و آزادی سیاسی به عنوان یکی از مصادیق آزادی فرد نیز صادق است. حق رأی و انتخاب و آزادی بیان از جمله مهم ترین مصادیق حقوق و آزادی سیاسی افراد می باشد.

امنیت حق رأی و انتخاب فرد و عدم تهدید آن

داشتن حق رأی و انتخاب، یکی از مصادیق حقوق و آزادی سیاسی افراد محسوب می شود. در واقع، انتخاب نوع حکومت و حاکم یکی از مهم ترین رفتار سیاسی است که مردم در یک جامعه انجام می دهند. بنابراین، اگر اشخاص در انتخاب زمام دار و حکومت با تهدید و مانعی روبه رو نباشند، دارای امنیت سیاسی می باشند. در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند انسان را خلیفه و جانشین خود بر روی زمین قرار داده است و از این طریق، حق حاکمیت خویش را به وی تفویض کرده است:

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره ۲): (۳۰)؛ «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» (فاطر ۳۵): (۳۹).

لازمه حداقلی خلیفه بودن انسان بر روی زمین، داشتن حق رأی در حکومت و انتخاب حاکم می باشد. در واقع، داشتن چنین حقی، یکی از مصادیق تحقق و یا اعمال خلیفه بودن انسان روی زمین است. آیات و روایاتی که درباره بیعت وارد شده نیز بر داشتن حق انتخاب و رأی برای افراد دلالت می کند:

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» (فتح ۴۸): (۱۰)؛ «مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ أَلَا وَ قَدْ أَعْطَانِي الطَّاعَةَ وَ سَمَحَ لِي بِالْبَيْعَةِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲)؛

«انما الخيار للناس قبل ان يبایعوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۳۳).

آیات و روایات متعددی در رابطه با عمل بر اساس شورا و مشورت وارد شده است:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران (۳): ۱۵۹)، «اذا كانت امرائكم خياركم و اغنياءكم سمحاءكم و اموركم شوري بينكم فظهر الارض خير لكم من بطنها» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸).

لزوم مشورت خواهی از مردم فرع بر داشتن حق انتخاب و رأی به ویژه در انتخاب حکومت و حاکم که با حقوق مردم سروکار دارد، می باشد. به بیان دیگر، فراخواندن به شورا و مشورت، حاکی از سلطه افراد بر امور خویش است و این امر نیز مستلزم داشتن حق رأی و انتخاب می باشد. در مجموع از آیات و روایات مذکور، حق رأی و انتخاب افراد بر داشت می شود. اگرچه لازمه اثبات یک حق به مفهوم مخالف، مذموم بودن سلب آن از فرد و عدم تهدید آن می باشد که این خود به معنای امنیت سیاسی فرد است. اما با این وجود می توان به آیات و روایات دیگری نیز استناد کرد که بر مذمومیت سلب حق رأی از افراد و لزوم عدم تهدید آن دلالت دارند. در برخی روایات، استبدادورزی نهی شده است. زیرا استبدادورزی در واقع به معنای تهدید و سلب حق انتخاب و رأی افراد می باشد:

«لا تستبدّ برأیک فمن استبدّ برأیه هلك» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۲۸ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۵۲).

در برخی آیات قرآن کریم بر اجتناب از طاغوت تأکید شده است. یکی از مصادیق طاغوت، تهدید و سلب حق رأی و انتخاب می باشد:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل (۱۶): ۳۶).

در آیات و روایات زیادی نیز بر مذمومیت و نهی از ظلم اشاره شده است. تهدید و سلب حق رأی و انتخاب نیز از جمله مصادیق ظلمی است که خداوند از آن نهی کرده و وعده عذاب داده است:

«مَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ» (آل عمران (۳): ۱۵۱)؛ «الظَّلم ثلاثة ظلم يغفره الله عزّ وجلّ و ظلم لا يغفره و ظلم لا يدعه فأما الظلم الذي لا يغفره فالشرك بالله عزّ وجلّ و أما الظلم الذي يغفره الله فظلم الرجل نفسه فيما بينه و بين الله عزّ وجلّ و أما الظلم الذي لا يدعه فالمدائنة بين العباد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۸).

امنیت آزادی بیان در امور سیاسی و عدم تهدید آن

داشتن آزادی بیان و یا به عبارت دیگر، داشتن آزادی انتقاد، نظارت و استیضاح حاکمان، یکی دیگر از مصادیق حقوق و آزادی سیاسی افراد محسوب می‌شود. آیات و روایاتی که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند، از جمله ادله‌ای می‌باشند که بر جواز آزادی بیان و انتقاد از حاکمان جامعه دلالت می‌کنند:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»
(آل عمران(۳): ۱۰۴).

در واقع، داشتن حق امر به معروف و نهی از منکر، فرع بر وجود و حق آزادی بیان و نظارت برای افراد می‌باشد. به عبارت دیگر، چون انسان‌ها دارای آزادی بیان هستند، بنابراین، در قبال آن حق، مسؤول هستند و باید از آن استفاده کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. روایاتی که بر جواز نصیحت حاکمان دلالت می‌کنند نیز از جمله دلایل وجود حق آزادی بیان برای افراد در اسلام است:

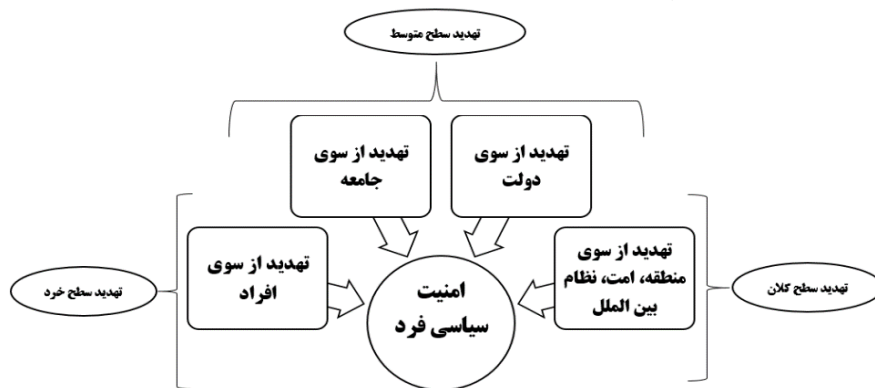
«ثَلَاثَةٌ لَا يَغْلِبُ قَلْبَ امْرِءٍ مُسْلِمٍ، اخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ»
(کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۰۳)، «و اما حقی علیکم فالوفاء بالبیعة و النصیحة فی المشهد» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

در واقع، داشتن حق نصیحت برای شهروندان، فرع بر داشتن حق آزادی بیان برای آنان است. آزادی نصیحت، مستلزم مصونیت ناصح از هرگونه تهدید و تحدید حقوق نیز می‌باشد. سیره عملی پیامبر اسلام ۹ و امام علی و امام حسن ۸ نیز بر جواز آزادی بیان در اسلام دلالت می‌کند. ایشان در دوران حکومت‌شان هیچ‌گاه مانع انتقاد و اعتراض مردم به‌ویژه اصحاب و یاران خود نسبت به خودشان به خصوص امور مربوط به حکومت نشده‌اند:

«قال المدائنی و دخل علیه سفیان بن أبی لیلی النهدی فقال له السلام علیک یا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ، فقال الحسن: اجلس یرحمک الله...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۶).

گونه‌شناسی تهدیدها علیه سطح خرد امنیت سیاسی

سطح خرد امنیت سیاسی از منظر قرآن کریم از سوی تمامی سطوح می‌تواند مورد تهدید واقع شود. مورد تهدید واقع شدن در این‌جا به این معنا است که سطوح دیگر امنیت سیاسی با انجام اقداماتی سلبی / ایجابی موجبات پایمال شدن حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد را فراهم می‌کنند.



الف) تهدید امنیت سیاسی فرد از سوی افراد

مضمون برخی از آیات قرآن کریم بر عدم سلطه فردی بر فرد دیگر دلالت می‌کند:

«أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری (۴۲): ۹).

در واقع، آنچه که در مجموع، از این گونه از آیات به دست می‌آید، این است که تنها خداوند متعال و کسانی که از او اجازه دارند، دارای ولایت بر مردم هستند. ولایت بدون اذن و مجوز، تهدیدی علیه حقوق سیاسی افراد محسوب می‌شود که در آیات مذکور نفی شده است:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده (۵): ۵۵).

به عبارت دیگر، از آن‌جا که سلطه فردی بر فرد، سبب سلب حق انتخاب و رأی فرد در امور سیاسی می‌شود، به عنوان تهدیدی محسوب می‌شود که بر اساس این آیات، نهی شده است.

«قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نمل (۲۷): ۶۴).

این آیه اگرچه به صورت دلالت مطابقی بر پذیرش حق آزادی بیان دلالت دارد، اما به صورت مفهوم مخالف نیز بر لزوم عدم تهدید حق مذکور نیز دلالت می‌کند. هم‌چنین از آیات و روایاتی که بر اجرای عدالت و دوری از ظلم دلالت می‌کنند، می‌توان رعایت حقوق سیاسی افراد و نهی از تهدید و پایمال کردن آن را استفاده کرد:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید(۵۷): ۲۵)؛ «اغْدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده(۵): ۸)، «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود(۱۱): ۱۸).

به عبارت دیگر، در واقع، در فلسفه سیاسی اسلام از سویی آزادی حق طبیعی انسان‌ها دانسته می‌شود:

«إِنَّهَا النَّاسُ إِنْ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارًا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۶۹).

و از سوی دیگر، انسان‌ها به‌طور یکسان و برابر از این حق برخوردار هستند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات(۴۹): ۱۳).

از این رو، انسان‌ها به‌طور یکسان از انسانیت و حقوق انسانی و از جمله آزادی سیاسی برخوردارند. بنابراین، بهره‌برداری از این حق و به‌طور کلی از حقوق، تا آن‌جاست که به حقوق دیگران صدمه و لطمه وارد نسازد. بنابراین، تهدید و یا سلب حقوق دیگران در صورت صدمه و تجاوز، خلاف عدالت و مصداق ظلم منهی است.

ب) تهدید امنیت سیاسی فرد از سوی جامعه

جامعه و گروه‌های اجتماعی نیز می‌توانند تهدیدکننده حقوق سیاسی فرد باشند. در آیات قرآن کریم به نقش تهدیدکننده جامعه و گروه‌های اجتماعی نسبت به امنیت سیاسی افراد اشاره شده است:

«وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِنْ ذِكْمِ النَّارِ وَعَدَدَهَا اللَّهُ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بَشَّ الْمَصِيرُ» (حج (۲۲): ۷۲)؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ
يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران (۳): ۲۱).

در این آیات، بیان حقیقت و امر به معروف توسط افراد مؤمن که از مصادیق آزادی
بیان و حقوق سیاسی فرد محسوب می‌شود، با برخورد شدید و خشن جامعه کافر
مواجه می‌شود. لذا خداوند متعال در دفاع از حقوق سیاسی افراد مؤمن، جامعه مذکور
را به عذاب هشدار می‌دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ
عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ» (مائده (۵): ۸).

در این آیه از قرآن کریم نیز به تهدید جامعه (شَنَا نُ قَوْمٍ) نسبت به حقوق افراد که
حقوق سیاسی افراد از جمله آن است، اشاره شده است.

ج) تهدید امنیت سیاسی سطح فردی از سوی دولت

دولت‌ها در عین حال که تولیدکننده امنیت می‌باشند، می‌توانند تهدیدی جدی برای
امنیت سیاسی افراد نیز باشند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه به این گونه از تهدید اشاره شده است:
«و لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعَ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مِنْهَكَةَ لِلدِّينِ وَ
تَقَرَّبَ مِنَ الْغَيْرِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در این روایت ضمن نهی از استبداد و رزیدن حکومت، به پیامدهایی که تهدید امنیت
سیاسی افراد برای دولت دارد نیز هشدار داده شده است. در قسمت دیگری از این نامه
نیز با تشبیه حکومت استبدادی به حیوان درنده، از پایمال کردن حقوق سیاسی افراد
توسط حکومت نهی شده است. چرا که رعایت حقوق سیاسی افراد؛ هم اقتضای دین
اسلام است و هم انسانیت افراد مقتضی آن است:

«و لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَعَا ضَارِيَا تَعْتَمِ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا لَكَ فِي الدِّينِ
وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (همان).

در برخی آیات از استکبارورزیدن نهی شده است:

«وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء(۴): ۱۷۳).

در برخی دیگر از آیات نیز امنیت و سعادت اخروی پاداش پرهیزکنندگان از استکبار معرفی شده است:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا» (قصص(۲۸): ۸۳).

زیرا یکی از ظلم‌هایی که در حکومت‌های استکباری واقع می‌شود، این است که حق رأی و انتخاب افراد با تهدید مواجه می‌شود. تهدید حقوق سیاسی افراد از سوی دولت به هیچ عنوان از منظر اسلام قابل پذیرش نیست. لذا در برخی روایات بر مبارزه با حاکمی که حق انتخاب و رأی افراد را سلب می‌کند، اذن داده شده است:

«من جاتكم يريد ان يفرق الجماعة و يغصب الامة امرها و يتولى من غير مشورة فاقتلوه فان الله قد اذن ذلك» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۲).

داستان اصحاب کهف نیز یکی دیگر از مصادیق سلب حقوق سیاسی - اجتماعی افراد توسط نظام سیاسی می‌باشد:

«إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَبِ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف(۱۸): ۱۰)؛ «و إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَبِ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْقًا» (کهف(۱۸): ۱۶).

در این آیات، اصحاب کهف به دلیل پذیرش ولایت سیاسی الله و روشن‌گری در این باره و نقد حکومت کفر، به دلیل خفقان و تهدید شدید از ناحیه حکومت، مجبور به فرار و پناه‌بردن به غار شدند.

(د) تهدید امنیت سیاسی فرد از سوی عوامل خارجی (نظام منطقه‌ای و بین‌المللی...)

امنیت سیاسی افراد ممکن است از سوی سطوح دیگر امنیت مورد تهدید واقع شود. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، این است که معمولاً عوامل خارجی هم‌چون

ساختارهای بین‌المللی و منطقه‌ای با واسطه حکومت دست‌نشانده یا با واسطه جامعه تحت سلطه، حقوق سیاسی افراد را تهدید و سلب می‌کنند. در این زمینه می‌توان به آیات و روایاتی اشاره کرد که به صورت کلی به این تهدید اشاره می‌کنند:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء (۴): ۱۴۱)؛ «الاسلام يعلوا ولا يعلی علیه» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

از جمله مصادیق وضعیت سلطه که در آیه و روایت مذکور به آن اشاره شده است، مورد سلطه واقع شدن از طریق نظام بین‌الملل و یا نظام منطقه‌ای است. سلطه خارجی در واقع از جمله عواملی محسوب می‌شود که امنیت سیاسی فرد را تهدید می‌کند. اما به طور خاص در این زمینه می‌توان به آیه ۹۴ سوره کهف اشاره کرد:

«قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف (۱۸): ۹۴).

در این آیه به تهدید یک قدرت خارجی (حکومت یا جوج و مأجوج) علیه مردم میان دو کوه درخواست‌کننده از ذوالقرنین اشاره شده است. در این آیه حضرت ذوالقرنین به عنوان منتخب آن مردم ستم‌دیده موظف می‌شود تا تهدیدی که حقوق افراد آن جامعه را سلب کرده بر طرف نماید.

امنیت سیاسی در سطح متوسط

امنیت سیاسی در سطح متوسط شامل امنیت حقوق سیاسی جامعه (گروه‌های اجتماعی) و بعد سیاسی امنیت ملی می‌باشد. به عبارت دیگر، منظور از امنیت سیاسی در این سطح، عدم تهدید داخلی و خارجی نسبت آزادی و حقوق سیاسی جامعه (گروه‌ها) و بعد سیاسی امنیت ملی می‌باشد. در نظام امنیتی اسلام، این سطح از امنیت سیاسی نیز مورد توجه می‌باشد و در آیات و روایات بسیاری به آن اشاره شده است.

آزادی و حقوق سیاسی جامعه (گروه‌ها) و عدم تهدید آن

از دیدگاه اسلام، آزادی و حقوق جامعه و گروه‌های اجتماعی معتبر است. لذا در

نظام امنیتی اسلام بر حفاظت از حقوق جامعه و عدم تهدید نسبت به منافع و مصالح عمومی تأکید شده است. در آیات و روایات بسیاری به این مسأله اشاره شده است و برای کسانی که جامعه را ناامن می‌کنند و به منافع عمومی تجاوز می‌کنند، مجازات سختی در نظر گرفته شده است:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۵): ۳۳؛ «لَسِنَّ لَمْ يَنْتَهِي الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۳۳): ۶۰.

در آیات دیگر در جهت حفاظت از امنیت جامعه مسلمانان به وحدت و عدم تفرقه توصیه می‌شوند.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۳): ۱۰۳.

هم‌چنین از منظر قرآن و حدیث، فعالیت گروهی با هدف خیر و الهی مورد تأکید و سفارش واقع شده است. آیاتی که مردم را دعوت به تعاون بر خیر می‌کنند نیز از آن جمله است:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۵): ۲.

در واقع، کلمه «تَعَاوَنُوا» صراحت در جواز فعالیت جمعی دارد. از اطلاق آیات و روایاتی که بر امر به معروف و نهی از منکر، هم‌چنین آیات و روایاتی که شورایی بودن امور مسلمانان و نیز آیات و روایاتی که بر نصیحت و نظارت بر حکومت دلالت دارند نیز می‌توان اهمیت فعالیت گروهی را استفاده کرد.

گونه‌شناسی تهدیدها علیه سطح متوسط امنیت سیاسی (جامعه و گروه‌های اجتماعی) سطح متوسط امنیت سیاسی (جامعه و گروه‌های اجتماعی) از منظر قرآن کریم از

سوی تمامی سطوح می‌تواند مورد تهدید واقع شود. مورد تهدید واقع شدن در این‌جا نیز به این معنا است که سطوح دیگر امنیت سیاسی با انجام اقداماتی سلبی - ایجابی موجبات تضييع حقوق و آزادی سیاسی (جامعه و گروه‌های اجتماعی) می‌گردند.

الف) تهدید امنیت سیاسی جامعه و گروه‌های اجتماعی توسط افراد

بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که گاهی برخی افراد می‌توانند حقوق سیاسی جامعه و گروه‌های اجتماعی را با تهدید مواجه کنند. به‌عنوان نمونه در این زمینه می‌توان به تهدید افرادی هم‌چون عایشه در میان مسلمانان و قارون، بلعم باعورا و سامری در داستان قوم بنی‌اسرائیل اشاره کرد:

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ» (قصص (۲۸): ۷۶).

در این آیه به تهدیدی که قارون به دلیل بغی و ستم‌گری‌اش علیه قوم بنی‌اسرائیل روا داشته بود، اشاره شده است. قارون متکی به ثروت هنگفتی که داشت، در راستای اهداف فرعون در استمرار اسارت و سلب حقوق سیاسی - اجتماعی قوم بنی‌اسرائیل عمل می‌کرد:

«وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ

الْغَاوِينَ» (اعراف (۷): ۱۷۵).

اگرچه در این آیه به داستان بلعم باعورا اشاره شده است، اما بر اساس روایات، این آیه اختصاص به وی ندارد، بلکه شامل هرکسی می‌شود که هم‌چون بلعم، هواپرستی را بر خداپرستی و هدایت الهی مقدم بشمارد:

«الأصل في ذلك بلعم ثم ضربه الله مثلا لكل مؤثر هواه على هدى الله من أهل

القبلة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۳۶ و طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۰۰).

بلعم باعورا کسی است که هم‌چون قارون علیه قوم بنی‌اسرائیل فعالیت می‌کرد و تهدیدی برای خلاصی آن قوم از اسارت فرعون محسوب می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۵-۱۴).

«قَالَ قَائِنًا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه (۲۰): ۸۵).

سامری نیز هم چون قارون و بلعم باعورا، تهدیدی برای قوم بنی اسرائیل محسوب می شود که تلاش کرد تا آن قوم را به انحراف بکشد و از ولایت الله و آزادی خارج کند و در اسارت و ولایت کفر و شیطان وارد کند. عایشه نیز هم چون سامری تلاش کرد جامعه اسلامی را به انحراف بکشانند و موفق شد گروهی از جامعه (به ویژه مردم بصره) را با خود همراه کند و علیه حکومت بشوراند و جنگ جمل را به راه بیندازد:

«أمر علی 7 بالجمل أن یحرق ثم یدری بالریح، و قال، لعنة الله من دابة فما أشبهه بعجل بنی اسرائیل ثم قرء، «وَ انظُرْ إِلَى الْهَيْكِ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (هاشمی خویی، حسن زاده آملی و کمره ای، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۹۱).

ب) تهدید امنیت سیاسی جامعه و گروه های اجتماعی توسط جامعه و گروه های اجتماعی از منظر آیات و روایات، گاهی بخشی از یک جامعه، تهدیدی برای بخش دیگر از جامعه می شوند و باعث سلب حقوق سیاسی - اجتماعی آن بخش می گردند. به عنوان مثال، جمعیت مشرک شهر مکه که اکثریت آن شهر را تشکیل می دادند، برای جمعیت تازه مسلمان آن شهر تهدید محسوب می شدند؛ به طوری که جمعیت اکثریت مشرک، حقوق سیاسی - اجتماعی جامعه اقلیت مسلمانان مکه را سلب کرده بودند:

«وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (انفال: ۸): (۲۶).

این آیه به وضع گروه تازه مسلمان در مکه قبل از هجرت در برابر جمعیت مشرکان نیرومند اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۳).

از سیاق آیه استفاده می شود که منظور از «آن روزی که مسلمین در زمین مستضعف بودند» روزگار ابتدای اسلام و قبل از هجرت بوده که مسلمین در مکه (در میان کفار) محصور بوده اند و نیز منظور از «ناس» در جمله

«تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» همان مشرکین عرب و رؤسای قریش است (همان، ج ۹، ص ۶۷).

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا* إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء: ۴): ۹۸-۹۷.

در این آیات نیز به گروهی در جامعه با عنوان «مستضعفان» اشاره شده است که از سوی گروه قدرت مند دیگری تهدید شده‌اند:

«وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف: ۷): ۱۳۷.

در داستان بنی اسرائیل هم قرآن کریم به گروهی با نام قوم (آل) فرعون اشاره می‌کند که به تعبیر قرآن کریم، قومی فاسق ظالم و تکذیب‌کننده ولایت الله بودند و قوم بنی اسرائیل را تهدید می‌کردند و سبب اسارت و سلب حقوق سیاسی - اجتماعی آنان در جامعه شده بودند:

«كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ» (انفال: ۸): ۵۴، «...إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل: ۲۷): ۱۲.

قرآن کریم از دوران تهدید قوم بنی اسرائیل توسط آل فرعون با عنوان بلای عظیم یاد کرده است:

«وَ إِذِ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۲): ۴۹.

ج) تهدید امنیت سیاسی جامعه و گروه‌های اجتماعی توسط دولت یکی دیگر از تهدیداتی که متوجه جامعه و گروه‌های اجتماعی می‌شود و سبب

سلب حقوق سیاسی - اجتماعی آنان می‌گردد، دولت‌ها می‌باشند. در قرآن کریم به تهدیدی که از سوی دولت فرعون متوجه قوم بنی‌اسرائیل شده بود، اشاره شده است:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص (۲۸): ۴).

در این آیه بیان شده است که حکومت فرعون با ایجاد تبعیض، بخشی از جامعه را از حقوق اساسی‌شان محروم کرده بود.

د) تهدید امنیت سیاسی جامعه و گروه‌های اجتماعی توسط عوامل خارجی (نظام بین‌الملل، نظام منطقه‌ای) قدرت‌های خارجی یکی دیگر از تهدیداتی محسوب می‌شوند که جامعه و گروه‌های اجتماعی را از حقوق اساسی‌شان از جمله حقوق سیاسی - اجتماعی محروم می‌سازند. به‌عنوان مثال، قوم یهود، پس از حضرت موسی 7 مورد تهاجم قدرت‌های خارجی قرار گرفتند و از سرزمین‌شان بیرون رانده شدند و فرزندان‌شان نیز به اسارت درآمدند:

«وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا» (بقره (۲): ۲۴۶).

هم‌چنین در این زمینه می‌توان به داستان حمله یاجوج و ماجوج نیز اشاره کرد:

«قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف (۱۸): ۹۴).

بعد سیاسی امنیت ملی و عدم تهدید آن

در نظام امنیتی اسلام بر ضرورت حکومت به‌ویژه حفاظت از نظام سیاسی مشروع و مقابله با تهدیدات وجودی علیه آن تأکید شده است و آیات و روایات زیادی به‌صورت ایجابی و سلبی بر این امر دلالت دارند. در برخی روایات بر ضرورت وجود حکومت به دلیل نقشی که در تأمین امنیت دارد، تأکید شده است:

«و انه لا بد للناس من امير بر او فاجر» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)، «وال ظلوم غشوم خيرٌ من فتنه تدوم» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۹).

در آیات و روایات دیگری نیز از یک سو بر اطاعت از حکومت مشروع و عدم جواز مخالفت با آن تأکید شده است:

«فرض الله ... و الامامة نظاماً للامة و الطاعة تعظيماً للامامة» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)، «اسمعوا و اطيعوا لمن و لاه الله فانه نظام الاسلام» (مجلسی، ۴۰۳ ق، ج ۲۳، ص ۲۹۸)، «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و اخذوا» (مائده: ۵)، «يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون» (انفال: ۸): ۲۰.

و از سوی دیگر، بر لزوم مقابله با براندازان و کسانی که به مقابله با حکومت اسلامی برمی خیزند، فرمان داده شده است:

«فإن لم يعتزلوكم و يلقوا إليكم السلم و يكفوا أيديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث تقتلوهم» (نساء: ۴): ۹۱.

تقویت بنیه دفاعی نظام اسلامی از جمله اقدامات ایجابی و پیش گیرانه و بازدارنده در نظام امنیتی اسلام در جهت دفع تهدیدات علیه سرزمین های اسلامی محسوب می شود:

«و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم» (انفال: ۸): ۶۰.

جهاد و مقابله با متجاوزان به سرزمین های اسلامی نیز یکی دیگر از اقدامات سلبی در نظام امنیتی اسلام محسوب می شود:

«إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله و رسوله ثم لم يرتابوا و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم في سبيل الله أولئك هم الصادقون» (حجرات: ۴۹): ۱۵.

گونه شناسی تهدیدها علیه سطح متوسط امنیت سیاسی (امنیت ملی)

سطح متوسط امنیت سیاسی (امنیت ملی) از منظر قرآن کریم از سوی سطوح دیگر می تواند مورد تهدید واقع شود. مورد تهدید واقع شدن در این جا نیز به این معنا است که سطوح دیگر امنیت سیاسی با انجام اقداماتی سلبی - ایجابی موجبات تضییع آزادی و حقوق سیاسی (دولت) می گردند.

الف) تهدید امنیت سیاسی دولت توسط افراد

افراد جامعه می‌توانند به انحاء گوناگون امنیت دولت را با تهدید مواجه کنند. بغی یکی از تهدیدها علیه دولت می‌باشد که هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی و گروهی قابل تحقق می‌باشد:

«عن أبي عبد الله 7 في قول الله تبارك و تعالی: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ» [قَالَ:] «الباغی، الَّذی یرج علی الإمام، و العادی، الَّذی یقطع الطریق، لا تحلّ له المیتة» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۷).

لذاست که بغی از منظر قرآن کریم تحریم شده است:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف(۷): ۳۳).

گاهی تهدید از سوی افراد، ریشه در ترک فعل و نافرمانی از حکومت و رهبری جامعه دارد. همان‌طور که این اتفاق در جنگ احد رخ داد و زمینه‌ساز شکست مسلمانان گردید و دولت تازه‌تأسیس مدینه را با تهدید جدی مواجه کرد:

«وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَ عَدَّهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَ تَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَغِمْتُمْ لِكَيْلًا تَخْزِنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (آل عمران(۳): ۱۵۳-۱۵۲).

خداوند متعال ریشه نافرمانی و ترک فعل مذکور را گناهان پیشین و تبعیت از شیطان معرفی می‌کند. در واقع گناه با تضعیف ایمان، زمینه‌ساز گناهان بعدی در انسان می‌شود و این امر نیز سبب نافرمانی و ترک وظیفه می‌گردد:

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (آل عمران(۳): ۱۵۵).

ب) تهدید امنیت سیاسی دولت توسط جامعه و گروه‌های اجتماعی

جامعه و گروه‌های اجتماعی نیز گاهی ایجادکننده تهدید برای دولت می‌باشند و امنیت سیاسی را به‌خطر می‌اندازند. در این زمینه می‌توان به پیمان‌شکنی و خیانت یهودیان مدینه نسبت به دولت اسلامی اشاره کرد:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ الَّذِينَ عَاهَدتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ فَإِمَّا تَثَقَفنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ وَإِمَّا تَخَافنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال(۸): ۵۹-۵۵).

پس هجرت پیامبر اسلام ﷺ به مدینه، یهودیان از پذیرفتن اسلام سر باز زدند، به ناچار پیامبر ﷺ با آنان که سه طایفه بودند، به نام «بنی قینقاع»، «بنی النضیر» و «بنی قریظه» و در مدینه ساکن بودند، عهد بست که با دشمنان پیامبر هم‌کاری و برای آنان جاسوسی نکنند و همزیستی مسالمت‌آمیز با مسلمانان داشته باشند. ولی هر سه طایفه، معاهده را شکستند. در نهایت نیز شکست خوردند و از مدینه اخراج شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۷۰-۲۶۹).

«وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا* وَأَوْزَكْتُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطُوهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا» (احزاب(۳۳): ۲۷-۲۶).

ج) تهدید امنیت سیاسی دولت توسط دولت (هر یک از عناصر دولت به‌ویژه عنصر نهادی) منظور از تهدید امنیت سیاسی دولت توسط دولت، تهدیداتی است که از درون دولت نشأت گرفته باشد و به تدریج زمینه‌ساز نابودی دولت گردد. به عبارت دیگر، هریک از ابعاد و مؤلفه‌های سه‌گانه دولت به‌ویژه مؤلفه و بعد نهادی آن در صورت خروج از وضعیت عدالت، می‌تواند تهدیدی وجودی برای کلیت دولت ایجاد نماید. به‌عنوان مثال، درپیش‌گرفتن رویه استبدادی توسط حکومت، تهدیدی جدی محسوب

می‌شود که بقای دولت را با چالش مواجه می‌کند:

«و لا تقولنَّ إِنِّي مؤمَّرٌ أمر فأطاع فإنَّ ذلك إدغالٌ فی القلب و منهكةٌ للبدن و تقرَّب من الغیر» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در این روایت، حضرت علی 7، ضعیف‌شدن دین (ایدئولوژی دولت اسلامی) و نیز زوال قدرت (حکومت، به دلیل ازدست‌دادن پشتوانه مردمی) را از پیامدهای استبدادی‌شدن حکومت معرفی می‌کنند. ظلم و ستم‌گری حکومت نیز یکی دیگر از تهدیدات دولت علیه دولت به‌شمار می‌رود.

«فإنَّ الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۳۱).

در واقع ستم‌گری و ظلم حکومت، زمینه‌ساز نابودی آن حکومت خواهد شد. یکی از پیامدهای امنیتی ستم‌گری حکومت، ازدست‌رفتن حمایت مردمی و پشتوانه درونی حکومت و به عبارتی مشروعیت و مقبولیت آن می‌باشد:

«من ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عباده و من خاصمه الله أدحض حجته و کان لله حرباً حتی ینزع أو یتوب و لیس شیء أَدعی إلی تغییر نعمة الله و تعجیل نقمته من إقامة علی ظلم فإنَّ الله [یسمع] سميع دعوة المضطهدین و هو للظالمین بالمرصاد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

(د) تهدید از سوی عامل خارجی (نظام منطقه‌ای، بین‌الملل)

تهدیدات خارجی به‌ویژه از سوی کشورهای بیگانه یکی دیگر از عواملی است که بقا و امنیت دولت‌ها را دچار تهدید می‌کند. در برخی آیات و روایات به این دسته از تهدیدها اشاره شده است:

«و اذکروا إذ أنتم قلیلٌ مُستضعفون فی الأرض تخافون أن یتخطفکم الناسُ فأواکم و أیدکم بنصره و رزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون» (انفال (۸): ۲۶).

در این آیه به قدرت‌های بزرگ هم‌چون ایران و روم که تهدیدی برای دولت اسلامی مدینه محسوب می‌شدند، اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۳).

یکی دیگر از مصادیق تهدید دولت از سوی عامل خارجی، داستان جنگ احزاب می‌باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» (احزاب (۳۳): ۱۰-۹).

جنگ «احزاب» در واقع مبارزه همه‌جانبه‌ای از سوی گروه‌ها و طوایف مختلفی از دشمنان اسلام بود که با پیشرفت دین اسلام، منافع نامشروع‌شان دچار مخاطره می‌شد. این نبرد سرانجام با پیروزی مسلمانان به پایان رسید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۱۷). در واقع می‌توان گفت که مشرکین و کفار دست به ایجاد اتحاد و سازمانی موقت (منطقه‌ای) متشکل از ارتش‌های طوایف مختلف منطقه عربستان زدند. داستان مبارزه بنی‌اسرائیل به رهبری طالوت با هدف دفع تهدید جالوت نیز یکی دیگر از مصادیق تهدید دولت از سوی عامل خارجی محسوب می‌شود:

«فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ» (بقره (۲): ۲۵۱-۲۴۹).

امنیت سیاسی در سطح کلان

منظور از امنیت سیاسی در سطح کلان، از یک سو، امنیت کشورها (دولت‌ها) در عرصه منطقه‌ای و نظام بین‌الملل می‌باشد و از سوی دیگر، امنیت ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. به عبارت دیگر، امنیت سیاسی در این سطح به معنای عدم تهدید نسبت به آزادی و حقوق سیاسی دولت‌ها در دو عرصه مذکور می‌باشد. احترام به ساختارها و رژیم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده (۵): ۱)،

در صورت عادلانه «لَيَقُومَ النَّاسُ» (حدید(۵۷): ۲۵)، «مَأْوَاهُمْ النَّارُ وَ بَسَّسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ» (آل عمران(۳): ۱۵۱) و غیر سلطه گرایانه بودن «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء(۴): ۱۴۱)، نشان دهنده توجه نظام امنیتی اسلام به امنیت در سطح کلان می باشد. آیات و روایات بسیاری با معرفی راه کارهای ایجابی و سلبی به مسأله امنیت و امنیت سیاسی در سطح کلان اشاره کرده است.

راه کارهای ایجاد امنیت سیاسی در سطح کلان

بررسی آیات و روایات نشان می دهد که در دین اسلام به راه کارهایی برای ایجاد امنیت سیاسی در سطح کلان اشاره شده است. برقراری صلح، پاس داشت کرامت انسانی و عدالت گرایی از جمله مهم ترین راه کارهای مذکور می باشند.

برقراری صلح (صلح محوری)

تأکید بر برقراری صلح و تقدم آن در روابط میان کشورها یکی از راه کارهای تأمین امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام در سطح کلان به شمار می رود. دین اسلام از یک سو بر صلح و زندگی مسالمت آمیز دعوت می کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره(۲): ۲۰۸).

و در این راستا اهل کتاب را به اصول مشترک که بزرگ ترین بنیاد و زیرساخت همزیستی مسالمت آمیز است، دعوت می کند:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران(۳): ۶۴).

و از سوی دیگر، هرگونه تعدی، تجاوز و ستم گری را محکوم و از آن نهی می کند: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَیُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره(۲): ۱۹۰؛ مائده(۵): ۸۷ و اعراف(۷): ۵۵).

بر این اساس، دین اسلام ضمن تأکید بر آمادگی دفاعی مسلمانان در صورتی که دشمنان به صلح گرایش یافتند، از صلح و آشتی استقبال نمایند:

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۸): ۶۱
و بقره (۲): ۱۹۳-۱۹۲).

و مسلمانان حق جنگیدن با کسانی که واقعاً به دنبال صلح باشند را ندارند:
«فَإِنْ اغْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ الْقَوْمَ الْيَكُومُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ
سَبِيلًا» (نساء: ۴): ۹۰).

پاس داشت کرامت انسانی

در دین اسلام، هرگونه نابرابری نژادی، قومی و ذاتی انسان‌ها که زمینه زیاده‌خواهی
و تجاوزگری (نامنی) است، نفی می‌شود و تنها ملاک برتری، درست‌کاری و پاس‌داشت
فضیلت‌های اخلاقی و انسانی معرفی می‌شود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۴۹): ۱۳).

بر این اساس، بر نیک‌رفتاری با هم‌نوعان؛ هر چند از کفار باشند، تأکید شده است؛
البته مشروط بر آن‌که آنان نیز به اصول همزیستی مسالمت‌آمیز پای‌بند و متعهد باشند:
«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ
تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۶۰): ۸).

عدالت‌گرایی

حرکت بر مدار عدالت در روابط میان کشورها یکی از دیگر اصول و راه‌کارهای
تأمین امنیت سیاسی در سطح کلان در نظام امنیتی اسلام می‌باشد. در این راستا خداوند
متعال فرمان به عدالت داده است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل: ۱۶): ۹۰).

لذاست که در قرآن کریم بر لزوم اقامه عدل توسط مردم تأکید شده است:
«لِيَقْسُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۵۷): ۲۵؛ «وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۴۹): ۹).

اهمیت عدالت در نظام امنیتی اسلام امری راهبردی است که هیچ چیز نباید مانع

اجرای آن شود:

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا» (مائده (۵): ۸).

بنابراین، نظام امنیتی اسلام در سطح کلان، جهت استمرار امنیت، بر حکمرانی بر اساس عدالت فرمان می‌دهد:

«وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده (۵): ۴۲).

گونه‌شناسی تهدیدها علیه امنیت سیاسی در سطح کلان

سطح کلان امنیت سیاسی (منطقه‌ای، بین‌المللی) از منظر قرآن کریم از سوی تمامی سطوح می‌تواند مورد تهدید واقع شود. مورد تهدید واقع شدن در این جا نیز به این معنا است که سطوح دیگر امنیت سیاسی با انجام اقداماتی سلبی - ایجابی موجبات تضییع حقوق سیاسی (دولت‌ها در روابط میان خود در سه عرصه منطقه‌ای، امتی، بین‌المللی) می‌گردند.

تهدید امنیت سیاسی در سطح کلان توسط افراد

با توجه به این‌که بازی‌گران اصلی امنیت سیاسی سطح کلان، دولت‌ها می‌باشند (البته این به معنای انکار نقش گروه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی؛ اعم از سازمان‌های چندملیتی، منطقه‌ای یا بین‌المللی نیست). لذا تهدید و تأثیرگذاری افراد در سطح کلان به‌طور عمده به صورت غیر مستقیم اتفاق می‌افتد. اگرچه ریشه اصلی ناامنی‌ها در تمامی سطوح به درون انسان‌ها و غلبه فطرت محجوبه انسان (قوای شهوت، غضب و شیطنت) بر فطرت مخموره (قوه عقل) باز می‌گردد:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ
وَ أَتَقَىٰ» (اعلی (۸۷): ۱۷-۱۴).

در این آیه به ریشه‌های تهدید و ناامنی اشاره شده است. عدم تزکیه زمینه‌ساز دنیاطلبی و محوریت دنیا بر آخرت می‌شود و این امر نیز تولید ناامنی در دنیا می‌کند:

«حَبَّ الدُّنْيَا رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۷۷۱)، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس (۹۱): ۱۰-۹).

در این آیات نیز فلاح و امنیت در گرو تزکیه دانسته شده و محرومیت، ناامیدی و تهدید و ناامنی از پیامدهای عدم تزکیه معرفی شده است.

تهدید امنیت سیاسی در سطح کلان توسط جامعه

تأثیرگذاری جوامع و گروه‌های اجتماعی نیز بر امنیت سیاسی سطح کلان به طور عمده به صورت غیر مستقیم و از طریق حکومت و دولت‌ها صورت می‌گیرد. در واقع وجود روحیه برتری‌جویی و استکبار در جوامع، سبب ایجاد دولت‌هایی سلطه‌گر و مستکبر می‌گردد و این امر نیز امنیت سطح کلان را با تهدید مواجه می‌کند: «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» (مؤمنون (۲۳): ۴۶).

تهدید امنیت سیاسی سطح کلان توسط دولت

برتری‌جویی، استکبارورزی دولت‌ها یکی از عواملی است که صلح و روابط مسالمت‌آمیز کشورها را در عرصه منطقه‌ای، امتی و بین‌المللی تهدید می‌کند. در قرآن کریم، برتری‌جویی حکومت فرعون از جمله عوامل طغیان‌گری، فسق و ایجاد ناامنی و تهدید معرفی شده است:

«أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه (۲۰): ۲۴)؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ يُسَنِّحُونَ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص (۲۸): ۴).

امنیت سیاسی عرصه امتی (منطقه‌ای) نیز ممکن است توسط ستم‌گری و تجاوزگری برخی دولت‌های اسلامی مورد تهدید واقع شود و روابط برادرانه میان آنان تبدیل به دشمنی شود:

«وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات (۴۹): ۱۰-۹).

از منظر قرآن کریم، مؤمنان برادر یک‌دیگر می‌باشند. در صورت بروز اختلاف میان

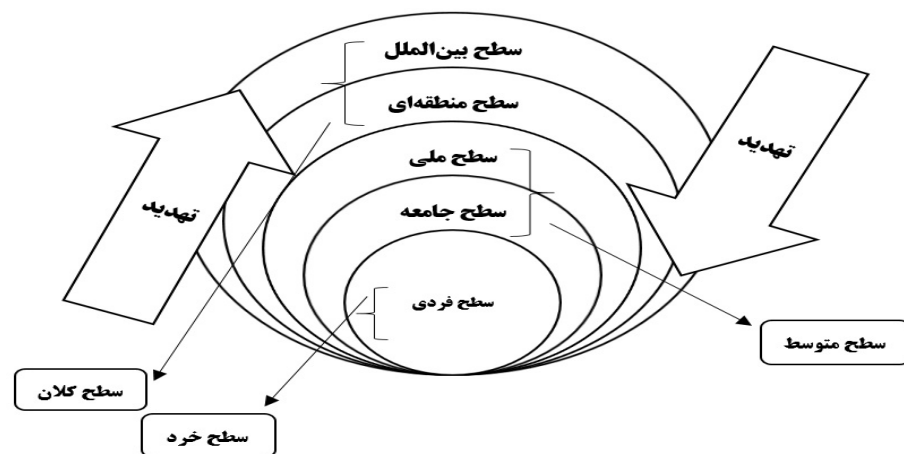
دولت‌های اسلامی، اولین راه‌کار برقراری صلح میان دولت‌های متخاصم است. در صورت ادامه اختلاف و ستم‌گری، دیگر دولت‌های اسلامی وظیفه دارند با دولت متجاوز مقابله کنند تا صلح را بپذیرد.

تهدید امنیت سیاسی سطح کلان توسط سطح کلان

حاکم شدن رویه استضعاف‌گرایانه بر ساختار نظام منطقه‌ای، امتی و بین‌المللی، تهدیدی از سوی سطح کلان علیه خود محسوب می‌شود که نظامات مذکور را با تهدید وجودی مواجه می‌کند:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (قصص (۲۸): ۶-۵).

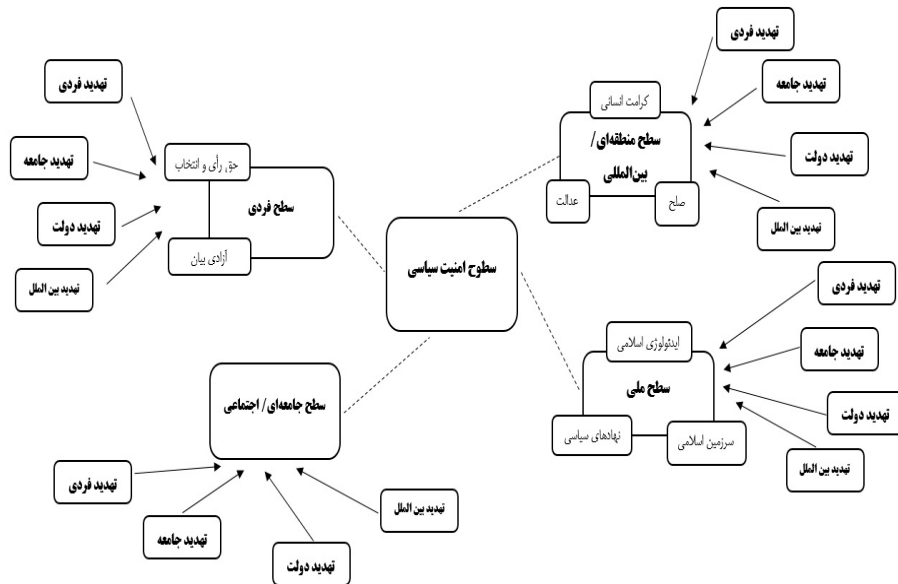
آیات مذکور، قانونی کلی برای تمامی عصرها و قرن‌ها و تمامی اقوام و جوامع را مطرح می‌کند و آن این‌که مستضعفان جهان پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین شوند که در واقع پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر محسوب می‌شود. بنابراین، مصداق اتم و اکمل این آیه همان‌طور که در روایات نیز به آن اشاره شد، حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. البته این امر «هرگز مانع از حکومت‌های اسلامی در مقیاس‌های محدودتر پیش از آن از طرف مستضعفان بر ضد مستکبران نخواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۸-۱۷).



نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی مبانی سطوح امنیت سیاسی و تهدیدات آن در نظام امنیتی اسلام بر اساس کاربست چارچوب نظری برگرفته از دیدگاه مکاتب امنیتی عرفی در سطوح امنیت به صورت برچارچوب و نیز کاربست روش مطالعه پژوهشی و روش استنباطی به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. در قرآن کریم و روایات اسلامی، گزاره‌هایی وجود دارد که بر شش سطح فردی، جامعه‌ای، ملی، منطقه‌ای، امتی و بین‌المللی امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام دلالت دارد که در این پژوهش، در قالب سه سطح خرد، متوسط و کلان ارائه شده است.
۲. در امنیت سیاسی در سطح خرد، عدم تهدید حقوق و آزادی‌های سیاسی فرد انسانی به عنوان عضوی از شهروندان جامعه اسلامی مورد توجه است. در سطح متوسط، عدم تهدید حقوق و آزادی‌های سیاسی جامعه (گروه‌های اجتماعی) و عدم تهدید مؤلفه‌های دولت (حکومت مردم‌سالار، ایدئولوژی اسلامی، سرزمین) مورد توجه می‌باشد و در سطح کلان نیز عدم تهدید آزادی و حقوق سیاسی منطقه‌ای و نیز عدم تهدید آزادی و حقوق سیاسی بین‌المللی مورد توجه است.
۳. نتایج حاکی از آن بود که هر یک از سطوح مذکور به لحاظ سلبی ظرفیت ایجاد تهدید وجودی برای دیگر سطوح را دارا می‌باشد. به عبارت دیگر، هر یک سطوح ممکن است از سوی سطوح دیگر مورد تهدید وجودی قرار گیرند.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۶، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۶. افتخاری، اصغر، امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق، ۷، ۱۳۹۰.
۷. انوری، حسن و همکاران، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۸. بوزان، باری، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹.
۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۰. تسخیری، محمدعلی، «شیوه شهید صدر (رحمه الله) در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، تابستان، ۱۳۸۲.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، معجم الصحاح، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۹ق.
۱۳. جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مؤلفه‌ها)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۴. حکیم، محمدباقر، تفسیر سوره حمد، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
۱۵. حمیم، سلیمان، فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، ج ۲، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
۱۶. ربانی بیرجندی، محمدحسن، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، مجله فقه، ش ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان، ۱۳۷۸.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، سال سوم، ش ۶، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.
۱۸. شریعتی، روح الله، قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.

۲۱. عبدالله‌خانی، علی، **نظریه‌های امنیت**، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
۲۲. علی‌یاری، حسن، «نظریه دولت مطلوب در روایات معصوم ۷»، **پایان‌نامه دکترا**، دانشگاه باقرالعلوم ۷، ۱۳۹۶.
۲۳. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، ج ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷.
۲۴. غلامی، لیلا و علوی‌مهر، حسین، «چیستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن به تفسیر قرآن به قرآن»، **فصلنامه مطالعات تفسیری**، سال دوم، ش ۸، زمستان ۱۳۹۰.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **ترتیب کتاب العین**، ج ۱، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۶. قوام، سیدعبدالعلی، **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، ج ۳، ۸ و ۱۲، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۲۸. لکزایی، نجف، «امنیت متعالیه»، **فصلنامه سیاست متعالیه**، سال دوم، ش ۵، تابستان ۱۳۹۳.
۲۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۲۲، ۲۳، ۳۲ و ۷۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۱. محمودی قهساره، محمدعلی، «تبیین نظریه قدرت در روایات با تأکید بر احادیث کافی»، **پایان‌نامه دکتری**، دانشگاه باقرالعلوم ۷، تابستان، ۱۳۹۶.
۳۲. مسعودی، عبدالهادی، **تفسیر روایی جامع**، ج ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۵.
۳۳. معرفت، محمدهادی، **تفسیر و مفسران**، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۴. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۰.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، ج ۱، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین ۷، ۱۳۶۸.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۶، ۷، ۹ و ۱۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۷. ویلیافر، بل‌دی، **درآمدی بر بررسی‌های امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۳۸. هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله، **حسن‌زاده‌آملی**، حسن و کمره‌ای، محمدباقر، **منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه**، ج ۳، تهران: مکتبه الإسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۳۹. یوسفی، محمدرضا، «بررسی روش آیت الله شهید صدر در کشف مکتب اقتصاد اسلامی»، **مجله دین و ارتباطات**، ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان، ۱۳۷۹(ب).
۴۰. یوسفی، احمدعلی، **ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹(الف).

41. Hirecson, Jotain. "observers or advocaters; on the political role of security analysis'noradie," **journal of international studies**, Vol.34, No.3, 1991.
42. Wolfers Arnold. "National Security as an Ambiguous Symbol," **Political Science Quarterly**, Vol.67, No.4.Dec, 1952.